

خدا
دانش
آگاهی

...



گروه انتشارات کاکو

بیسترس

دوز ۴۰٪

سرشناسه: ابراهیمی، سعید
عنوان: بیسترس انگلیسی دوازدهم (دوز ۴۰٪)
مشخصات نشر: تهران، انتشارات کاگو
فروست: از مجموعه کتاب‌های مرجع کنکور کاگو
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۰-۵۲۹-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: فیهای مختصر
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۲۷۹۶۹

ناشر: گروه انتشاراتی کاگو

برند ناشر: مرجع کنکور

گروه محصول: بیسترس

عنوان: بیسترس انگلیسی دوازدهم (دوز ۴۰٪)

مؤلف: سعید ابراهیمی

مسئول پروژه تالیف: پرستو منفرد

دستیار علمی تالیف: سپیده احمدیان

ویراستار علمی: نسیم علی اکبری

طراحی جلد: قاسم بیرانوند

گرافیت متن: بهار قربانی

چاپخانه: واژه پرداز اندیشه

صحافی: واژه پرداز اندیشه

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۰-۵۲۹-۱

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

این محصول معاف از مالیات می‌باشد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای انتشارات کاگو محفوظ است. هیچ شخص حقیقی و حقوقی، حق چاپ و تکثیر این اثر را به هر شکل و صورت اعم از دیجیتال، فتوکپی، چاپ کتاب و حتی برداشت از دست‌نویس را ندارد. متخلفین به موجب بند ۵ ماده قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروژ، پلاک ۳۸، ساختمان کاگو

تلفن: ۰۲۱-۵۳۸۸۵ پیامک: ۱۰۰۰۵۳۸۸۵ صندوق پستی: ۱۳۱۴۶۹۳۱۷۱

کاکو: توسعه و انتشار محتوای ناب 021-53885 KGOOPUB KGOO.IR

مقدمه ناشر

● مأموریت کاگو

افزایش سطح دسترسی به محتوای ناب، معتبر و ارزشمند از طریق روش‌های روزآمد و خلاقانه توسعه محتوا برای تجربه متفاوت خواندن، مطالعه و یادگیری مخاطبان

دانش آموزان عزیز، معلمان و مشاوران دل‌سوز و صدالبته اساتید و دانشمندان آینده سرزمینمان!

نزدیک به سی سال است که کاگو، با تمرکز بر تألیف و انتشار کتاب‌های آموزشی، برای شما جویندگان و آموزندگان دانش در ایران می‌کوشد. اکنون، که افتخار این را داشته‌ایم که هم‌گام با مخاطبانمان رشد کنیم و بلوغی نسبی را تجربه کنیم، بر آن شده‌ایم اندوخته‌هایمان را در این زمینه برای ارائه خدمتی تازه روی دایره بریزیم!

ما در این راه، نخست وظایف خود را در جایگاه ناشر بازخوانی کردیم و یقین یافتیم «مدیریت نشر» مهم‌ترین شاخصه هر انتشاراتی است و ساده‌انگارانه است اگر از مدیریت علمی و آکادمیک نشر چشم‌پوشیم. از این‌رو برای کشف، خلق و توسعه بهترین رویکردها و شیوه‌های مدیریتی از بهترین و دست‌اول‌ترین منابع و کارآموده‌ترین اساتید و مشاوران بهره‌گرفتیم.

سپس مهم‌ترین رسالتمان را پیش چشم آوردیم: «تولید محتوای ناب»!

همه می‌دانیم مؤلفان کتاب‌های کمک‌درسی و ناشران آموزشی سال‌هاست کتاب‌هایشان را با ساختاری ساده، معطوف و برگرفته از کتاب‌های درسی، منتشر می‌کنند و خوش‌بینیم اگر تصور کنیم در این راه به محتوای تولیدی همکارانشان حداقل نیم‌نگاهی نداشته‌اند. ثابت بودن محتوای کمک‌درسی و سختی طراحی درسنامه‌ها و آزمون‌های متنوع از یک‌سو و ایجاد تغییرات ماهیتی در نحوه ورود به دانشگاه‌ها از سوی دیگر، اخیراً کتاب‌های آموزشی را مهجور و بی‌جان کرده بود.

با همه این اوصاف، تجربه نشان داد در دوران همه‌گیری کرونا و پس از آن، کتاب در دسترس‌ترین، ارزان‌ترین و سهل‌ترین ابزار آموزش و توسعه دانش بوده و هست. از این رو، ما بر آن شدیم به سیاق دیگر ناشران کمک‌آموزشی عمل نکنیم و طرحی نو دراندازیم. بنابراین، محتوای تولیدی‌مان را بازتعریف کردیم و کوشیدیم این پادشاه بزرگ را ناب بیافرینیم و آن را توسعه بخشیم. ما در این راه هر آن‌چه با تقلید از آثار و ایده‌های دیگران به رشته تحریر درآمد را محتوا ندانستیم، اما گاه نقطه‌ای سیاه بر صفحه‌ای سفید را بسیار غنی و سرشار از معنا یافتیم!

سال‌ها همراه با شما امتحانات و حتی گاه کنکورهای دشواری را از سر گذراندیم تا توانستیم «ناب‌بودن» را در جایگاه صفتی شایسته، در کنار ارزشمند بودن و اعتبار در مأموریت اصلی کاگو و به تبع آن در محتوای نشرمان بگنجانیم.

منظور ما از کلیدواژه ناب، توسعه دائمی جریان محتوای با ارزش، خالص و کمال‌یافته است و عبارت معتبر به انتخاب و پردازش محتوای درست و استاندارد اشاره می‌کند و کلیدواژه ارزشمند به معنی کاربردی و ارزش‌آفرین بودن برای مخاطب است.

اکنون افتخار می‌کنیم که توشه سالیانمان و حاصل رنج سی‌ساله‌مان را ناب، ارزشمند و معتبر در قالب محصولی نو برای شما به ارمغان آوردیم و برای به بار نشاندن این صعود، تجربه گذشته و نوآوری را درکوله‌بارمان گذاشته‌ایم.

شعار فعلی ما این است که متخصص تولید محتوای ناب، معتبر و ارزشمند هستیم!

محمد رضا سالکی

مدیر مسئول سازمان انتشاراتی کاگو

ویژگی های کتاب

مفاهیم کلیدی (TBC)

تمام محتوای کلیدی طبقه بندی شده هر درس، منطبق با کتاب های درسی، در قالب فهرستی آورده شده است. هر TBC یک کد یکتا و سریالی در کتاب های دهم، یازدهم و دوازدهم دارد. محتوای کتاب حاضر بر اساس توالی این کدها آورده شده است. در بخش درسنامه و سوالات کتاب به صورت (۱۳۳) و در بخش پاسخنامه به صورت [] نشان داده شده است.

TBC پرتکرار

بسته به تکرار شدن یک TBC در امتحانات نهایی ۴ سال اخیر، TBC هایی با علامت (+ ۱۳۳) مشخص شده اند که دلالت بر اهمیت آن TBC در امتحانات نهایی دارد.

آزمون تشخیصی (ورودی)

برای هر فصل / درس، یک آزمون تشخیصی به عنوان ورودی فصل طراحی شده است. در آزمون تشخیصی به ازای هر TBC، یک تا سه سوال طراحی شده است که کلیت TBC را پوشش می دهد. در این آزمون شماره هر سوال، با شماره TBC متناظر آن یکسان است. پاسخ گویی صحیح به این سوالات نشان دهنده آشنایی با کلیات مفهومی مطالب آن TBC است.

علامت بلد بودم / نبودم

در مقابل هر سوال آزمون تشخیصی دو مستطیل () قرار داده شده است. شما می توانید وضعیت درستی پاسخ گویی به هر سوال را علامت بزنید که بتوانید در زمان مطالعه صرفه جویی و نقاط ضعف خود را بر اساس tbc مشخص نمایید.

زمان مطالعه

برای درسنامه و تمرین های امتحانی و آزمون های هر بخش (با توجه به حجم دشواری آن بخش) "حداکثر" زمان مطالعه آورده شده است. همچنین بعد از مطالعه زمان فعالیت شما در مستطیل کناری ثبت می شود تا تفاوت حداکثر زمان قابل انجام و زمان خودتان را متوجه شوید.

بدفهمی رایج

اشکالات آموزشی پرتکرار و رایج برای دانش آموزان در کلاس درس، در قالب بدفهمی رایج در درسنامه ارائه شده اند.

سوالات ستاره دار

در کنار بعضی سوال ها علامت * وجود دارد. این علامت نشان دهنده اهمیت یا تکرار بیشتر در امتحانات نهایی اخیر است.

سوال های ویژه امتحان برای کنکور

در انتهای تمرین های هر فصل / درس سوالات تشریحی مفهومی تر و دشوارتر از امتحانات نهایی و تستی آورده شده است که دانش آموز تا حدودی با سوالات دشوارتر امتحانات نهایی پیش رو سوالات کنکور آشنا شود.

جدول نشانگر TBC

در انتهای تمرین های امتحانی و سوال های ویژه امتحان، جدولی آورده شده است که نشانگر کدهای TBC مربوط به هر سوال است تا در صورت عدم پاسخ گویی صحیح به هر سوال، به راحتی بتوانید شماره TBC مربوطه را بیابید.

جدول بودجه بندی امتحانات و پیام مشاوره

پیش از آغاز آزمون های دی و خرداد، جدول بودجه بندی آموزش و پرورش در امتحانات دی، خرداد و شهریور به همراه پیام مشاوره ای برای نحوه مطالعه و پاسخ گویی به سوالات امتحانات نهایی آورده شده است.

امتحانات دی و خرداد

در بخش آزمون ها، ۲ آزمون دی ماه (نوبت اول) از مدارس معتبر و ۴ آزمون خرداد یا شهریور ماه (نوبت دوم) از آخرین امتحانات نهایی برگزار شده و کاملاً در قالب امتحانات نهایی هر درس قرار داده شده است. دانش آموز از این طریق بیشتر و بهتر با سوالات امتحانات نهایی و شرایط برگه امتحان آشنایی شود.

فلش کارت

در انتهای کتاب، فلش کارتی قرار داده شده است که حاوی مهمترین و پرتکرارترین مطالب امتحان های نهایی است، به گونه ای که دانش آموز بتواند ۴ تا ۵ ساعت پیش از امتحان کل کتاب را به خوبی مرور کند.

بوک استوری

در انتهای کتاب بخشی به صورت تصویری / نموداری از کلیات مفاهیم TBC و در قالب ۴ صفحه چهاررنگ آورده شده است تا دانش آموز بتواند به راحتی مهم ترین مطالب کتاب را با صرف کمترین زمان ممکن، مرور کند.

کیوآرکد محتوای بیشتر

در فهرست و بوک استوری، کیوآرکدی جهت بارگذاری محتوا و آزمون هایی متناسب با آخرین تغییرات امتحانات نهایی و محتوای اضافه تر از کتاب قرار داده شده است که در طول سال به روز رسانی خواهد شد.

شماره ایندکس (جانگشتی)

در لبه کتاب، جا انگشتی های چاپی قرار داده شده است که با آن ها کدهای tbc را سریع تر بیابید.

جدول ارزش محتوایی کتاب

این جدول برای اولین بار برای نمایش ارزش محتواهای داخل کتاب برای مخاطبان، معلمان و مشاوران طراحی و ارائه شده است. از این طریق مخاطب با حقایق محتوای ارائه شده مواجه شده و راحت تر برنامه ریزی می کند.

جدول حقایق ارزش محتوایی کتاب

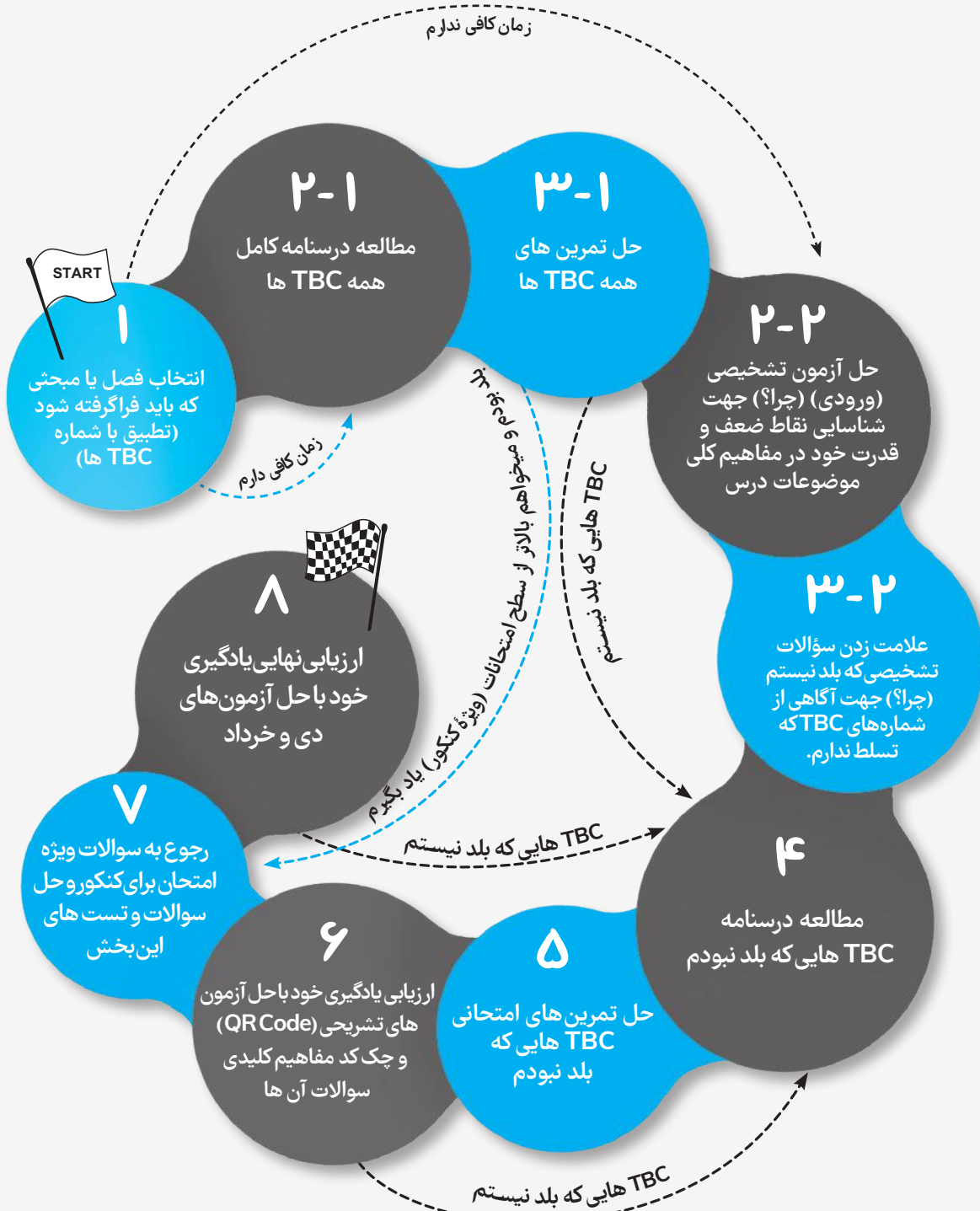
Content Facts

تعداد صفحه کتاب	۱۰۵
تعداد کل TBC ها	۱۸
تعداد کل سوالات	۷۱۴
تعداد سوالات امتحان نهایی	۴۱۷
کل زمان مورد نیاز برای مطالعه	۱۶ ساعت

یک دانش آموز متوسط باید چگونه باشد؟

تعداد ساعت مطالعه در هفته	۱/۵
تعداد سؤال مورد نیاز در هفته	۴۵

نحوه استفاده از کتاب



فهرست مطالب

Lesson 3: Renewable Energy

- ۵۱..... واژگان و اصطلاحات جدید ۵۲
- ۵۸..... واژگان کتاب کار ۵۲
- ۶۰..... مترادفها و متضادها ۵۲
- ۶۱..... واژگان همنشین و عبارت‌های مهم ۵۲
- ۶۲..... ضرب‌المثل‌ها ۵۲
- ۶۲..... جمله‌های مجهول (با فعل‌های وجهی) Passive Voice ۵۳
- ۶۲..... زمان گذشته کامل (ماضی بعید) Past Perfect ۵۴
- ۶۴..... یادداشت‌برداری (Note Taking) ۵۵
- ۶۴..... جمله‌های پشتیبان (Supporting Sentences) ۵۶
- ۷۷..... جدول بودجه‌بندی ۷۷
- ۷۸..... آزمون شماره (۱) ۷۸
- ۸۱..... آزمون شماره (۲) ۸۱
- ۸۴..... آزمون شماره (۳) ۸۴
- ۸۸..... آزمون شماره (۴) ۸۸
- ۹۲..... آزمون شماره (۵) ۹۲
- ۹۶..... آزمون شماره (۶) ۹۶
- ۱۰۰..... پاسخنامه آزمون‌ها ۱۰۰
- ۱۰۳..... فلش کارت ۱۰۳

Lesson 1: Sense of Appreciation

- ۱..... واژگان و اصطلاحات جدید ۴۰
- ۶..... واژگان کتاب کار ۴۰
- ۷..... مترادفها و متضادها ۴۰
- ۸..... همنشین‌ها (Collocations) ۴۰
- ۸..... واژگان همنشین و عبارت‌های مهم ۴۰
- ۹..... جمله‌های مجهول Passive Voice ۴۱
- ۱۰..... سؤال‌های کوتاه Tag Questions ۴۲
- ۱۱..... ساختن سؤال (Question Generation) ۴۳
- ۱۱..... جمله‌های مرکب ۴۴

Lesson 2: Look it up

- ۲۴..... واژگان و اصطلاحات جدید ۴۶
- ۳۱..... واژگان کتاب کار ۴۶
- ۳۳..... مترادفها و متضادها ۴۶
- ۳۴..... کلمه‌های هم‌خانواده ۴۶
- ۳۴..... واژگان همنشین و عبارت‌های مهم ۴۶
- ۳۵..... ضمیرهای موصولی ۴۷
- ۳۵..... جمله‌های شرطی Conditional Sentences ۴۸
- ۳۶..... هایلایت کردن (Highlighting) ۴۹
- ۳۶..... پاراگراف ۵۰



Sense of Appreciation

حس قدردانی

Lesson 1

مفاهیم کلیدی

۴۰

مفاهیم کلیدی

سؤال‌های کوتاه ۴۲

جمله‌های مجهول ۴۱

واژگان و اصطلاحات جدید ۴۰

حس قدردانی ۴۵

جمله‌های مرکب ۴۴

ریدینگ استراتژی ۴۳

آزمون تشخیصی مفاهیم کلیدی

۴۱ شکل درست فعل داخل پرانتز را در جای خالی بنویسید.

- The bedroom at the moment. (paint)
- The new hospital near the old one next year. (build)
- Children to school every morning. (take)
- The car yet. (wash)
- The old man his leg, didn't he? (break)

۴۲ هر جمله را با معلومات گرامری خود کامل کنید.

- She knew that we were at home, ?
- I am not your classmate, ?
- You have two brothers and one sister, ?
- She's working hard these days, ?
- Mike's aunt speaks French when she is teaching, ?

۴۳ جمله‌های زیر را با یکی از کلمه‌های ربط (and, but, so, or) کامل کنید.

- We went to the library, we borrowed some books.
- My mom didn't feel well, she didn't go out.
- I am hungry, I can't eat pizza.
- You should study hard, you should quit school.
- We had a terrible accident, nobody was injured.

پاسخ

۱.....[۴۱] - is being painted - ۲. will be built / is going to be built - ۳. are taken - ۴. has not been washed - ۵. broke

۶.....[۴۲] - ۶. didn't she - ۷. am I - ۸. don't you - ۹. isn't she - ۱۰. doesn't she

۱۱.....[۴۳] - ۱۱. and - ۱۲. so - ۱۳. but - ۱۴. or - ۱۵. but



[حد اکثر زمان مطالعه: ۹۰ دقیقه] - زمان شما:

مفاهیم آموزشی

Vocabulary

۴۰ واژگان و اصطلاحات جدید

بلدیوم بلدیوم

<input type="checkbox"/> a little while	مدت کوتاهی
<input type="checkbox"/> After a little while, he came back.	او بعد از مدت کوتاهی برگشت.
<input type="checkbox"/> accidentally (adv.)	به طور تصادفی
<input type="checkbox"/> She accidentally dropped the vase on her foot.	او به طور تصادفی گلدان را روی پایش انداخت.

<input type="checkbox"/> add (v.) <input type="checkbox"/> Do you want to add your name to the list?	اضافه کردن آیا می‌خواهی نامت را به لیست اضافه کنی؟
<input type="checkbox"/> aloud (adv.) <input type="checkbox"/> Would you read the poem aloud ?	با صدای بلند، بلند آیا ممکن است شعر را با صدای بلند بخوانی؟
<input type="checkbox"/> appreciation (n.) <input type="checkbox"/> To show his appreciation of her kindness he sent her some flowers.	قدردانی، تقدیر برای نشان دادن قدردانی اش از مهربانی او، برایش چند گل فرستاد.
<input type="checkbox"/> author (n.) <input type="checkbox"/> It's clear that the author is a woman.	نویسنده واضح است که نویسنده ، یک خانم است.
<input type="checkbox"/> be born <input type="checkbox"/> I was born in a big city.	متولد شدن من در یک شهر بزرگ، متولد شدم.
<input type="checkbox"/> belonging (n.) <input type="checkbox"/> This system gives people a sense of belonging .	تعلق این سیستم به افراد یک حس تعلق می‌دهد.
<input type="checkbox"/> blessing (n.) <input type="checkbox"/> It's a blessing no one was badly hurt.	موهبت، برکت، نعمت موهبتی است که هیچکس بد صدمه ندید.
<input type="checkbox"/> boost (v.) <input type="checkbox"/> The new area has boosted tourism.	افزایش دادن، بالا بردن، تقویت کردن منطقه جدید، گردشگری را افزایش داده است.
<input type="checkbox"/> bring up (phr. v.) <input type="checkbox"/> He was brought up by his grandmother.	پرورش دادن، بزرگ کردن او توسط مادربزرگش بزرگ شد.
<input type="checkbox"/> burst into tears (phr. v.) <input type="checkbox"/> When he saw me, he burst into tears .	به گریه افتادن، زیر گریه زدن او وقتی من را دید به گریه افتاد .
<input type="checkbox"/> by heart <input type="checkbox"/> We have to learn the poems by heart .	از حفظ، از بر ما باید شعرها را از حفظ یاد بگیریم.
<input type="checkbox"/> by the way <input type="checkbox"/> By the way , have you seen my pen anywhere?	راستی راستی خودکار من را جایی ندیده‌ای؟
<input type="checkbox"/> calmly (adv.) <input type="checkbox"/> "I'll call the doctor", he said calmly .	به آرامی، با خونسردی او به آرامی گفت، من با پزشک تماس می‌گیرم.
<input type="checkbox"/> care for (phr. v.) <input type="checkbox"/> He thanked the nurses who had cared for him.	مراقبت کردن از او از پرستارانی که از او مراقبت کرده بودند، تشکر کرد.
<input type="checkbox"/> childhood (n.) <input type="checkbox"/> I had a very happy childhood .	دوران کودکی من دوران کودکی شادی داشتم.
<input type="checkbox"/> close (adj.) <input type="checkbox"/> My brother and I are very close .	نزدیک، صمیمی من و برادرم خیلی صمیمی هستیم.
<input type="checkbox"/> collocation (n.) <input type="checkbox"/> "Heavy rain" is an English collocation .	(کلمه‌های) هم‌نشین «Heavy rain» یک هم‌نشین انگلیسی است.
<input type="checkbox"/> countless (adj.) <input type="checkbox"/> The film was shown countless times.	بی‌شمار، زیاد آن فیلم به دفعات زیادی نمایش داده شد.
<input type="checkbox"/> dedicated (adj.) <input type="checkbox"/> She is a dedicated teacher.	فداکار، متعهد او یک معلم متعهد است.
<input type="checkbox"/> diary (n.) <input type="checkbox"/> Alex kept a diary during the war years.	دفتر خاطرات الکس در طی سال‌های جنگ دفتر خاطرات نوشت.
<input type="checkbox"/> diploma (n.) <input type="checkbox"/> When did you receive your diploma ?	دیپلم، مدرک تو چه زمانی مدرک خودت را دریافت کردی؟



<input type="checkbox"/> discover (v.) <input type="checkbox"/> The stolen car was discovered in a field.	کشف کردن اتومبیل مسروقه در یک دشت کشف شد.
<input type="checkbox"/> dishwasher (n.) <input type="checkbox"/> The dishwasher is a wonderful invention.	ماشین ظرفشویی ماشین ظرفشویی یک اختراع شگفت‌انگیز است.
<input type="checkbox"/> distinguished (adj.) <input type="checkbox"/> He is a distinguished professor.	برجسته، شاخص، متمایز او یک استاد دانشگاه برجسته است.
<input type="checkbox"/> each other (pron.) <input type="checkbox"/> The girls looked at each other .	یکدیگر، همدیگر آن دخترها به یکدیگر نگاه کردند.
<input type="checkbox"/> either (det., pron.) <input type="checkbox"/> You can choose either tea or coffee.	یا تو می‌توانی یا چای یا قهوه را انتخاب کنی.
<input type="checkbox"/> elderly (adj.) <input type="checkbox"/> Do you know that well-dressed elderly woman?	سالمند، مُسن آیا تو آن خانم مُسن شیک‌پوش را می‌شناسی؟
<input type="checkbox"/> elders (n.) <input type="checkbox"/> Did you attend the meeting of the village elders ?	بزرگترها، با تجربه‌ترها آیا شما در جلسه بزرگترهای روستا حضور یافتید؟
<input type="checkbox"/> enjoyable (adj.) <input type="checkbox"/> Games can make learning more enjoyable .	لذت‌بخش بازی‌ها می‌توانند یادگیری را لذت‌بخش کنند.
<input type="checkbox"/> ethics (n.) <input type="checkbox"/> What do you know about business ethics ?	اخلاق، رفتار تو در مورد اخلاق کسب‌وکار چه می‌دانی؟
<input type="checkbox"/> feed (v.) <input type="checkbox"/> Did you feed the cat?	غذا دادن به آیا به گربه‌ها غذا دادید ؟
<input type="checkbox"/> forgive (v.) <input type="checkbox"/> I've tried to forgive him for what he said.	بخشیدن، عفو کردن من سعی کرده‌ام او را برای آنچه که گفت، بخشیم .
<input type="checkbox"/> found (v.) <input type="checkbox"/> This company was founded by him in 1990.	تأسیس کردن، بنا نهادن این شرکت در سال ۱۹۹۰ توسط او تأسیس شد.
<input type="checkbox"/> function (n.) <input type="checkbox"/> What's the function of our heart?	عملکرد، وظیفه عملکرد قلب ما چیست؟
<input type="checkbox"/> generation (n.) <input type="checkbox"/> Like most of my generation , I had never known a war.	نسل من مانند بیشتر (افراد) نسلم ، هرگز جنگ را نشناخته بودم.
<input type="checkbox"/> grandchild (n.) <input type="checkbox"/> We have one grandchild.	نوه ما یک نوه داریم.
<input type="checkbox"/> guideline (n.) <input type="checkbox"/> There is a new set of guidelines for teachers.	رهنمون، دستورالعمل مجموعه جدیدی از دستورالعمل‌ها برای دبیران موجود است.
<input type="checkbox"/> hard of hearing (adj.) <input type="checkbox"/> My grandfather is hard of hearing .	سنگین‌گوش، کم‌شنوا پدربزرگ من سنگین‌گوش است.
<input type="checkbox"/> hate (v.) <input type="checkbox"/> My mother hates pizza.	متنفر بودن مادر من از پیتزا متنفر است.
<input type="checkbox"/> heritage (n.) <input type="checkbox"/> This building is part of our heritage .	میراث این ساختمان بخشی از میراث ما است.
<input type="checkbox"/> hug (v.) <input type="checkbox"/> She went to her daughter and hugged her.	در آغوش گرفتن او به سمت دخترش رفت و او را در آغوش گرفت .
<input type="checkbox"/> including (prep.) <input type="checkbox"/> There's twenty of us, including the teachers.	شامل بیست نفر از ما وجود دارند که شامل معلم‌ها (هم) می‌شود.
<input type="checkbox"/> inspiration (n.) <input type="checkbox"/> My mother was a great inspiration to me.	الهام، الهام‌بخشی، منبع الهام مادرم منبع الهام بزرگی برای من بود.

<input type="checkbox"/> kindness (n.) <input type="checkbox"/> We Will never forget your kindness .	<p>مهربانی ما هرگز مهربانی شما را فراموش نخواهیم کرد.</p>
<input type="checkbox"/> kiss (v.) <input type="checkbox"/> I kissed my little brother who was crying.	<p>بوسیدن من برادر کوچکم را که گریه می کرد، بوسیدم.</p>
<input type="checkbox"/> known (adj.) <input type="checkbox"/> This is the oldest known church.	<p>شناخته شده، مشهور این قدیمی ترین کلیسای شناخته شده است.</p>
<input type="checkbox"/> lap (n.) <input type="checkbox"/> The child was sitting on his mother's lap .	<p>قسمت روی ران پا، دامان، آغوش آن بچه روی پای مادرش نشسته است.</p>
<input type="checkbox"/> loving (adj.) <input type="checkbox"/> He's very loving with his sister.	<p>با محبت، صمیمی او با خواهرش خیلی صمیمی است.</p>
<input type="checkbox"/> lovingly (adv.) <input type="checkbox"/> The mother smiled at her baby lovingly .	<p>از روی محبت، با محبت مادر، با محبت به نوزادش لبخند زد.</p>
<input type="checkbox"/> lower (v.) <input type="checkbox"/> Do you think we should lower the price?	<p>کاهش دادن، پایین آوردن آیا فکر می کنید ما باید قیمت را کاهش بدهیم؟</p>
<input type="checkbox"/> might (modal v.) <input type="checkbox"/> I might be a few minutes late.	<p>ممکن بودن (گذشته may) من ممکن است چند دقیقه دیر برسم.</p>
<input type="checkbox"/> moral (n.), (adj.) <input type="checkbox"/> Dad gave me some moral support.	<p>اخلاق، باور اخلاقی، اخلاقی، معنوی پدر از من، کمی حمایت معنوی کرد.</p>
<input type="checkbox"/> mostly (adv.) <input type="checkbox"/> We communicated mostly by e-mail.	<p>بیشتر، اکثراً ما اکثراً با ایمیل ارتباط برقرار می کردیم.</p>
<input type="checkbox"/> omelet (n.) <input type="checkbox"/> Do you like cheese omelet ?	<p>املت آیا املت پنیر دوست داری؟</p>
<input type="checkbox"/> once (adv.) <input type="checkbox"/> Once , when I was a little boy, I found a gold watch.	<p>یک روزی (در گذشته) یک روزی، وقتی یک پسر کوچک بودم، یک ساعت طلا پیدا کردم.</p>
<input type="checkbox"/> ordinary (n.) <input type="checkbox"/> It's just an ordinary camera.	<p>معمولی، عادی آن فقط یک دوربین معمولی است.</p>
<input type="checkbox"/> pause (v.) <input type="checkbox"/> She paused for a moment.	<p>مکث کردن او برای لحظه ای مکث کرد.</p>
<input type="checkbox"/> peaceful (adj.) <input type="checkbox"/> It's very peaceful out here in the woods.	<p>صلح آمیز، آرام اینجا در جنگل خیلی آرام است.</p>
<input type="checkbox"/> physician (n.) <input type="checkbox"/> Helen was a famous physician .	<p>پزشک (عمومی) هلن یک پزشک معروف بود.</p>
<input type="checkbox"/> pigeon (n.) <input type="checkbox"/> I feed the pigeons every evening.	<p>کبوتر من هر روز عصر به کبوترها غذا می دهم.</p>
<input type="checkbox"/> pity (n.) <input type="checkbox"/> I listened to Jason's story with pity .	<p>افسوس، دریغ، حیف من با افسوس به داستان جیسون گوش دادم.</p>
<input type="checkbox"/> poet (n.) <input type="checkbox"/> Don't you know that famous poet ?	<p>شاعر آیا آن شاعر مشهور را نمی شناسی؟</p>
<input type="checkbox"/> poetry (n.) <input type="checkbox"/> My father reads a lot of poetry .	<p>شاعری، فن شعر، شعر پدر من شعرهای زیادی می خواند.</p>
<input type="checkbox"/> principle (n.) <input type="checkbox"/> Schools try to teach children a set of principles .	<p>اصل، اصول مدارس سعی می کنند مجموعه ای از اصول را به کودکان بیاموزند.</p>
<input type="checkbox"/> professor (n.) <input type="checkbox"/> Dr. Gharib was a university professor .	<p>پروفسور، استاد دانشگاه دکتر قریب استاد دانشگاه بود.</p>



<input type="checkbox"/> record (v.) <input type="checkbox"/> He recorded that the operation was successful.	ثبت کردن او ثبت کرد که عمل جراحی موفقیت‌آمیز بود.
<input type="checkbox"/> regard (v.) <input type="checkbox"/> He was regarded as a dedicated doctor.	در نظر گرفتن، تلقی کردن، محسوب کردن او به عنوان یک پزشک متعهد تلقی می‌شد .
<input type="checkbox"/> repeatedly (adv.) <input type="checkbox"/> He was repeatedly told not to work so hard.	به‌طور پی‌درپی، مکرراً به او مکرراً گفته شد که سخت کار نکند.
<input type="checkbox"/> regarding (prep.) <input type="checkbox"/> I am writing an email regarding their English course.	در مورد، راجع به من دارم در مورد دوره زبان انگلیسی‌شان ایمیلی می‌نویسم.
<input type="checkbox"/> reply (v.) <input type="checkbox"/> Did you reply to that letter?	پاسخ دادن آیا به آن نامه پاسخ دادی ?
<input type="checkbox"/> responsibility (n.) <input type="checkbox"/> It's your responsibility to inform us of any changes.	مسئولیت این مسئولیت تو است که ما را از هر تغییری مطلع کنی.
<input type="checkbox"/> role (n.) <input type="checkbox"/> What is women's role in society?	نقش نقش زنان در جامعه چیست؟
<input type="checkbox"/> score (n.) <input type="checkbox"/> The school's test scores have not improved.	امتیاز، نمره نمره امتحان مدرسه بهبود نیافته است.
<input type="checkbox"/> sense (n.) <input type="checkbox"/> She has a good sense of smell.	حس او حس بویایی خوبی دارد.
<input type="checkbox"/> shout (at) (v.) <input type="checkbox"/> There's no need to shout! I can hear you!	فریاد زدن (بر سر) لازم نیست فریاد بزنی! من می‌توانم صدای تو را بشنوم.
<input type="checkbox"/> sofa (n.) <input type="checkbox"/> Please sit on that sofa .	کاناپه، میل لطفاً روی آن کاناپه بنشینید.
<input type="checkbox"/> solution (n.) <input type="checkbox"/> We need to find a quick solution .	راه‌حل ما باید یک راه‌حل سریع پیدا کنیم.
<input type="checkbox"/> sometime (adv.) <input type="checkbox"/> We'll take a vacation sometime in September.	زمانی (در آینده) ما زمانی در ماه سپتامبر به مسافرت می‌رویم.
<input type="checkbox"/> spare no pains <input type="checkbox"/> He spared no pains to help the poor.	(از چیزی) دریغ نکردن او برای کمک به فقرا از هیچ چیز دریغ نکرد .
<input type="checkbox"/> strength (n.) <input type="checkbox"/> She didn't even have the strength to stand up.	قدرت، قوت او حتی قدرت این را نداشت که بلند شود.
<input type="checkbox"/> teenager (n.) <input type="checkbox"/> Take time to talk to your teenagers .	نوجوان برای صحبت کردن با نوجوانان تان وقت بگذارید.
<input type="checkbox"/> temperature (n.) <input type="checkbox"/> You don't feel well - let me take your temperature .	تب، دما حال تو خوب نیست - اجازه بده تب تو را بگیرم.
<input type="checkbox"/> terrible (adj.) <input type="checkbox"/> You're making a terrible mistake.	خیلی بد، افتضاح تو داری اشتباه خیلی بدی می‌کنی.
<input type="checkbox"/> textbook (n.) <input type="checkbox"/> Can I see the biology textbook ?	کتاب درسی آیا می‌توانم کتاب درسی زیست‌شناسی را ببینم؟
<input type="checkbox"/> tool (n.) <input type="checkbox"/> This shop sells garden tools .	ابزار، وسیله این فروشگاه ابزار باغبانی می‌فروشد.
<input type="checkbox"/> vase (n.) <input type="checkbox"/> Do you know who broke the vase ?	گلدان آیا تو می‌دانی چه کسی گلدان را شکست؟
<input type="checkbox"/> willing (adj.) <input type="checkbox"/> How much are they willing to pay?	مایل، مشتاق، خواهان آنها مایل هستند چقدر پرداخت کنند؟

<input type="checkbox"/> butter (n.) <input type="checkbox"/> We ate bread and butter for breakfast.	کره ما برای صبحانه نان و کره خوردیم.
<input type="checkbox"/> cage (n.) <input type="checkbox"/> Why do you keep these birds in the cage ?	قفس چرا این پرنده‌ها را در قفس نگه می‌دارید؟
<input type="checkbox"/> deserve (v.) <input type="checkbox"/> I think we deserve a rest after all that hard work.	لایق بودن، لیاقت داشتن من فکر می‌کنم بعد از آن کار سخت لایق استراحت هستیم.
<input type="checkbox"/> duty (n.) <input type="checkbox"/> We feel it is our duty to help her.	وظیفه، تکلیف احساس می‌کنیم وظیفه ما است که به او کمک کنیم.
<input type="checkbox"/> failure (n.) <input type="checkbox"/> I always felt a bit of a failure at school.	شکست من همیشه در مدرسه کمی احساس شکست می‌کردم.
<input type="checkbox"/> fridge (n.) <input type="checkbox"/> Please keep the butter in the fridge .	یخچال لطفاً کره را در یخچال نگه دارید.
<input type="checkbox"/> grateful (adj.) <input type="checkbox"/> I'm so grateful for all your help.	قدردان، سپاسگزار من به خاطر تمام کمک شما سپاسگزار هستم.
<input type="checkbox"/> handle (v.) <input type="checkbox"/> Leave it to me. I can handle it.	مدیریت کردن، اداره کردن آن را به من بسپار. می‌توانم آن را مدیریت کنم.
<input type="checkbox"/> honored (adj.) <input type="checkbox"/> I feel honored to work with you.	مفتخر من از کار کردن با شما احساس افتخار می‌کنم.
<input type="checkbox"/> inform (v.) <input type="checkbox"/> They finally decided to inform the police.	اطلاع دادن، مطلع کردن آنها سرانجام تصمیم گرفتند پلیس را مطلع کنند.
<input type="checkbox"/> lack (n.) <input type="checkbox"/> There is lack of information on the subject.	عدم، فقدان در مورد موضوع فقدان اطلاعات وجود دارد.
<input type="checkbox"/> note (v.) <input type="checkbox"/> Please note that the job must be done today.	توجه داشتن لطفاً توجه داشته باشید که کار باید امروز انجام شود.
<input type="checkbox"/> parrot (n.) <input type="checkbox"/> Look! There's a beautiful parrot in the tree.	طوطی نگاه کن! یک طوطی زیبا روی درخت است.
<input type="checkbox"/> result (n.) <input type="checkbox"/> Accidents are usually the result of driving fast.	نتیجه تصادف‌ها معمولاً نتیجه سریع رانندگی کردن هستند.
<input type="checkbox"/> robber (n.) <input type="checkbox"/> A young man was shot by bank robbers today.	دزد، سارق امروز یک مرد جوان توسط دزدها هدف گلوله قرار گرفت.
<input type="checkbox"/> steal (n.) <input type="checkbox"/> Did they steal anything valuable?	دزدیدن، سرقت کردن آیا آنها چیز باارزشی را دزدیدند ?
<input type="checkbox"/> thus (adv.) <input type="checkbox"/> I was late, thus I missed the train.	بنابراین من دیر کردم بنابراین به قطار نرسیدم.
<input type="checkbox"/> unconditionally (adv.) <input type="checkbox"/> You should love your children unconditionally .	بدون قید و شرط شما باید فرزندانان را بدون قید و شرط دوست بدارید.
<input type="checkbox"/> unreal (adj.) <input type="checkbox"/> The daily contact with them was unreal .	غیرواقعی تماس روزانه با آنها غیرواقعی بود.
<input type="checkbox"/> within (prep.) <input type="checkbox"/> He fell sick and died within a week.	در، در مدت او بیمار بود و در مدت یک هفته از دنیا رفت.



مفاهیم کلیدی

۴۰

Lesson 1: Sense of Appreciation

۷

کلمه	مترادف	متضاد
aloud	loudly	---
author	writer	---
boost	develop; raise	decrease; lower
calmly	peacefully	---
care for	look after; defend; support	destroy; endanger; harm
close	warm	---
countless	many; lots of	few; limited
dedicated	committed	uncommitted
distinguished	brilliant; well-known	infamous; ordinary
donate	give away	keep
elder	older	younger
elderly	aged; old	young
enjoyable	amusing; pleasant; fun	bad; boring; hateful
ethics	beliefs	---
forgive	forget	---
found	begin; create; form	end; finish
function	action; work	inactivity
guideline	rule; instruction	---
hate	dislike	like; love
heritage	custom; tradition	---
hometown	motherland	---
improve	boost; develop; increase	decrease; lower; stop
loving	friendly; warm	cold; disliking
lower	decrease	increase; develop
ordinary	normal; general	unusual; uncommon
pause	stop; discontinue	continue
peaceful	quiet; calm	noisy; unfriendly; wild
physician	doctor; specialist	---
regretful	ashamed	---
reply	answer	---
score	mark; grade	---
solution	explanation; key	---
strength	power; energy	weakness
take care of	look after; defend	destroy; harm; hurt
terrible	unpleasant; dangerous	good; nice; beautiful
thousands of	many	few
willing	eager; pleased	disinterested

۴۰. همنشین‌ها (Collocations)

همنشین‌ها معمولاً دو کلمه هستند که با هم می‌آیند و در کنار هم دارای مفهوم می‌شوند و از نظر انگلیسی زبان‌ها درست هستند. به عبارت دیگر ما به عنوان کسانی که زبان انگلیسی، زبان مادریمان نیست نمی‌توانیم هر دو کلمه‌ای را در کنار هم قرار دهیم و یک عبارت معنی‌دار بسازیم حتی اگر از نظر معنایی درست به نظر برسند؛ زیرا این ترکیب برای انگلیسی زبان‌ها یک ترکیب رایج نیست. به عنوان مثال باید بگوییم «do homework» و نمی‌توانیم بگوییم «write homework».

fast food / quick meal

quick food / fast meal

یا مثلاً می‌گوییم:

اما نمی‌توانیم بگوییم:

مفاهیم کلیدی

۴۰

۴۰. واژگان همنشین و عبارتهای مهم

بلد بومد بلد نیومد

واژگان همنشین و عبارتهای مهم

<input type="checkbox"/> brain function	عملکرد مغز
<input type="checkbox"/> burst into tears	(ناگهان) به گریه افتادن
<input type="checkbox"/> care for somebody	از کسی مراقبت کردن
<input type="checkbox"/> cure people / children	درمان کردن مردم / کودکان
<input type="checkbox"/> discover penicillin	کشف کردن پنی‌سیلین
<input type="checkbox"/> distinguished professor	استاد ممتاز دانشگاه
<input type="checkbox"/> elderly people	افراد سالمند
<input type="checkbox"/> family members	اعضای خانواده
<input type="checkbox"/> famous / dedicated physician	پزشک معروف / فداکار
<input type="checkbox"/> feed pigeons	غذا دادن به کبوترها
<input type="checkbox"/> forgive somebody	بخشیدن یک شخص
<input type="checkbox"/> future generations	نسل‌های آینده
<input type="checkbox"/> have enough time	وقت کافی داشتن
<input type="checkbox"/> heavy rain	باران شدید
<input type="checkbox"/> hug / kiss somebody	در آغوش گرفتن / بوسیدن یک شخص
<input type="checkbox"/> lower blood pressure	کاهش دادن فشار خون
<input type="checkbox"/> make mistakes	اشتباه کردن
<input type="checkbox"/> make pancakes / a medicine / an omelet	پنکیک / دارو / املت درست کردن
<input type="checkbox"/> quick meal	غذای سریع
<input type="checkbox"/> receive education / a diploma	کسب کردن تحصیلات / گرفتن دیپلم
<input type="checkbox"/> record your thoughts / feelings	ثبت کردن افکار / احساسات
<input type="checkbox"/> respect people / parents / others	احترام گذاشتن به افراد / والدین / دیگران
<input type="checkbox"/> spare no pains	از چیزی دریغ نکردن
<input type="checkbox"/> strong winds	بادهای شدید
<input type="checkbox"/> study / teach medicine	پزشکی خواندن / درس دادن
<input type="checkbox"/> take temperature	گرفتن (میزان) تب

۴۱ جمله‌های مجهول Passive Voice

جمله مجهول جمله‌ای است که معمولاً یا فاعل آن «نامشخص» است یا در آن «مفعول» یا «فعل انجام شده» به «فاعل» ارجحیت دارند. جمله‌هایی را می‌توان به صورت «مجهول» بیان کرد که دارای «مفعول» باشند به عبارت دیگر «فعل متعدی» داشته باشند.

● کاربرد جمله‌های مجهول

۱- «عمل انجام شده» مهم‌تر از «انجام دهنده عمل» یعنی «فاعل» است.

مثال در آن تصادف تعدادی از مردم **مصدوم شدند**.

۲- فاعل جمله، «ناشناخته و مجهول» است یا برای ما «مهم نیست».

مثال اتومبیل من **دزدیده شد**.

۳- بنا به شرایط، بیان جمله مجهول «مؤدبانه‌تر» است.

مثال اشتباهی **رخ داد**. (به جای اینکه بگوییم «شما اشتباه کردید.»)

● ساختار جمله‌های مجهول

در همه جمله‌های مجهول شکلی از فعل «to be» (یعنی am, is, are, was, were, be, been, being) به همراه «قسمت سوم فعل» یا همان «Past Participle» وجود دارد.

نکته اگر فعلی «باقاعده» باشد قسمت سوم آن «ed» می‌گیرد ولی اگر فعلی «بی‌قاعده» باشد باید شکل سوم آن را مانند یک کلمه جدید حفظ کرد. (لیست فعل‌های بی‌قاعده در انتهای کتاب درسی آمده است.)

به مثال‌های زیر دقت کنید:

زمان	جمله معلوم	جمله مجهول
حال ساده	We eat lunch at school. ما در مدرسه ناهار می‌خوریم.	Lunch is eaten at school. ناهار در مدرسه خورده می‌شود.
حال استمراری	We are eating lunch at school. ما در مدرسه در حال خوردن ناهار هستیم.	Lunch is being eaten at school. ناهار در مدرسه در حال خورده شدن است.
گذشته ساده	We ate lunch at school. ما در مدرسه ناهار خوردیم.	Lunch was eaten at school. ناهار در مدرسه خورده شد.
گذشته استمراری	We were eating lunch at school. ما در مدرسه در حال خوردن ناهار بودیم.	Lunch was being eaten at school. ناهار در مدرسه در حال خورده شدن بود.
ماضی نقلی	We have eaten lunch at school. ما در مدرسه ناهار خورده‌ایم.	Lunch has been eaten at school. ناهار در مدرسه خورده شده است.
ماضی بعید	We had eaten lunch at school. ما در مدرسه ناهار خورده بودیم.	Lunch had been eaten at school. ناهار در مدرسه خورده شده بود.
آینده (be going to)	We are going to eat lunch at school. ما قرار است در مدرسه ناهار بخوریم.	Lunch is going to be eaten at school. ناهار قرار است در مدرسه خورده شود.
جمله شامل یک فعل وجهی	We will/can/may/should/must eat lunch at school. ما می‌خواهیم/می‌توانیم/ممکن است/باید در مدرسه ناهار بخوریم.	Lunch will/can/may/should/must be eaten at school. ناهار می‌خواهد/می‌تواند/ممکن است/باید در مدرسه خورده شود.

پس برای ساختن جمله مجهول، فاعل جمله (در مثال‌های بالا We) را حذف می‌کنیم و مفعول (در مثال‌های بالا lunch) را به ابتدای جمله می‌آوریم. سپس بر اساس «زمان جمله» یک فعل «to be» را همراه «شکل قسمت سوم» فعل اصلی می‌نویسیم.

نکته اگر مفعول جمله معلوم به صورت ضمیر مفعولی باشد، باید در جمله مجهول آن را به ضمیر فاعلی تبدیل کنیم.

مثال آن مرد **من** را در کتابخانه دید.
جمله معلوم: The man saw **me** in the library.

من در کتابخانه دیده شدم.
جمله مجهول: I was seen in the library.

یکی از مشکلات حل سؤال‌های مربوط به جمله‌های مجهول، تشخیص این است که آیا جمله مجهول است یا فیر؟ برای رفع این مشکل به توضیحات زیر دقت کنید:

۱- معمولاً در انتهای جمله‌های مجهول یک عبارت به صورت «فاعل + by» وجود دارد.

The car was fixed by the mechanic.

۲- اگر عبارت «فاعل + by» در جمله وجود نداشت به این صورت عمل کنید؛ ببینید که آیا عبارت اول جمله (قبل از فعل) می‌تواند فعل را انجام دهد یا فیر. اگر بتواند فعل جمله را انجام دهد. معمولاً جمله، معلوم است و اگر نتواند فعل جمله را انجام دهد، جمله مجهول است.

This old house (built / was built) many years ago.

در جمله بالا عبارت This old house (این خانه قدیمی) نمی‌تواند فعل build (ساختن) را انجام دهد، پس جمله، مجهول است و پاسخ درست گزینه دوم (یعنی was built) است.

۳- گاهی اوقات عبارت قبل از فعل طوری است که هم می‌تواند فعل را انجام دهد (جمله معلوم) و هم ممکن است فعل بر روی آن انجام شده باشد (جمله مجهول). در این صورت باید ببینید بعد از فعل جمله، مفعول وجود دارد یا فیر. اگر مفعول وجود داشته باشد، جمله، معلوم است و اگر وجود نداشت آن جمله، مجهول است. به دو مثال زیر دقت کنید:

1. The boy (took/was taken) to school last week.

مثال ۱ - آن پسر هفته گذشته به مدرسه برده شد. (مجهول)

2. The boy (took/was taken) his brother to school last week.

۲- آن پسر هفته گذشته برادرش را به مدرسه برد. (معلوم)

در هر دو جمله بالا فعل take به معنی «بردن» است. فعل take یک فعل متعدی است و به «مفعول» نیاز دارد. در جمله ۱ بعد از فعل، «مفعول» وجود ندارد، پس جمله مجهول است و در اصل فعل بر روی عبارت The boy (آن پسر) انجام شده است. اما در جمله ۲ بعد از فعل جمله، عبارت his brother (برادرش) مفعول جمله است و در اصل عبارت The boy (آن پسر) انجام دهنده کار و فاعل جمله است. در نتیجه جمله ۲ یک جمله معلوم است.

۴۲ سؤال‌های کوتاه Tag Questions

سؤال‌های کوتاه (Tag Questions) سؤال‌هایی دو کلمه‌ای هستند که معمولاً در مکالمه‌های شفاهی در انتهای یک جمله خبری می‌آیند و در اصل شخص گوینده با این جمله می‌خواهد تأیید طرف مقابل را بگیرد.

● ساخت سؤال‌های کوتاه Tag Questions

برای ساختن سؤال‌های کوتاه چند قانون ساده وجود دارد:

۱) اگر جمله اصلی مثبت باشد، Tag Question منفی است و بالعکس.

مثال ۱ او در مدرسه است، اینطور نیست؟

She is at school, isn't she?

آنها نباید به آنجا بروند، اینطور نیست؟

They shouldn't go there, should they?

۲) فاعل Tag Question همیشه باید به صورت «ضمیر فاعلی» باشد.

Tom wants to study medicine, doesn't he?

مثال ۲ تام می‌خواهد پزشکی بخواند، اینطور نیست؟

The children haven't come home yet, have they?

بچه‌ها هنوز به خانه نیامده‌اند، اینطور نیست؟

۳) اگر Tag Question منفی باشد، حتماً باید به صورت مخفف بیان شود.

Your mom was angry, wasn't she?

مثال ۳ مامان تو عصبانی بود، اینطور نیست؟

English is spoken in Canada, isn't it?

در کانادا انگلیسی صحبت می‌شود، اینطور نیست؟

نکته در جمله‌های مرکب Tag Question را بر اساس فاعل و فعل جمله پایه (جمله اصلی) می‌نویسیم و فاعل و فعل جمله پیرو (وابسته) مدنظر نیست. باید بدانید که جمله پایه، جمله‌ای است که دارای کلمه‌های ربط مانند when, while, if, so, because, that, which, who, whom ... نیست.

They know that she will come, don't they?

مثال آنها می‌دانند که او خواهد آمد، اینطور نیست؟

جمله پیرو جمله پایه

The woman whom you talked to will call us, won't she?

خانمی که با او صحبت کردی با ما تماس خواهد گرفت، اینطور نیست؟

جمله پایه جمله پیرو جمله پایه

If you saw your sister, you would talk to her, wouldn't you?

اگر خواهرت را می‌دید با او صحبت می‌کردی، اینطور نیست؟

جمله پایه جمله پیرو

۴۳ ساختن سؤال (Question Generation)

ساختن سؤال یکی از روش‌های درک مطلب است که از طریق آن می‌توان در مورد نکته‌های مهم و ایده‌های اصلی متن، سؤال‌های معنی‌دار پرسید و به آنها پاسخ داد. برای ساختن سؤال مراحل زیر را انجام دهید:

- (۱) متن را بخوانید. (۲) نکته‌های مهم و ایده‌های اصلی را پیدا کنید. (۳) برای هر نکته یا ایده یک سؤال بسازید. (۴) به سؤال‌ها پاسخ دهید. کلمه‌های پرسشی که می‌توان با استفاده از آنها سؤال ساخت به ترتیب زیر هستند:

کلمه پرسشی	مورد سؤال
چه کسی (Who)	یک شخص (معمولاً فاعل یا مفعول جمله)
چه چیزی (What)	یک شیء (معمولاً فاعل یا مفعول جمله)
کجا (Where)	یک مکان (قید مکان جمله)
چه موقع / چه ساعتی (When)	یک زمان (قید زمان جمله)
چرا (Why)	یک دلیل (دلیل انجام کار)
چه طور (How)	چگونگی انجام کار (قید حالت / وسیله نقلیه)

نکته معمولاً برای ساختن سؤال توسط کلمه‌های پرسشی سه مرحله زیر را انجام می‌دهیم:

- (۱) کلمه پرسشی را می‌نویسیم.
 (۲) با توجه به معنی کلمه پرسشی، یک کلمه یا یک عبارت را که در اصل پاسخ آن کلمه پرسشی است، حذف می‌کنیم.
 (۳) باقیمانده جمله را سؤالی می‌کنیم. (برای این کار اگر در جمله فعل to be «یعنی am/is/are/was/were» یا یکی از فعل‌های وجهی «یعنی can/may/should/must» وجود داشت آن را به اول جمله می‌آوریم؛ در غیر این صورت با توجه به زمان و فاعل جمله، به اول جمله «do/does/did» اضافه می‌کنیم.)

حالا با توجه به توضیحات ارائه شده، می‌خواهیم با استفاده از کلمه‌های پرسشی داده شده سؤال مناسب بسازیم:

We can visit the man around 10:00. (When)

مثال ما می‌توانیم آن مرد را حدود ساعت ۱۰ ملاقات کنیم. (چه موقع)

When ?

(۱) ابتدا کلمه پرسشی را می‌نویسیم:

(۲) با توجه به معنی کلمه پرسشی (در اینجا «چه موقع») عبارت «around 10:00» (حدود ساعت ۱۰) را حذف می‌کنیم:

We can visit the man around 10:00.

(۳) چون در جمله فعل وجهی «can» وجود دارد، آن را به اول جمله می‌آوریم و کلمه را به «When» اضافه می‌کنیم:

When can we visit the man?

ما چه موقع می‌توانیم آن مرد را ملاقات کنیم؟

..... Writing

۴۴ جمله‌های مرکب

قبلاً بیان شد که یک جمله انگلیسی باید حداقل دارای یک فاعل و یک فعل باشد. این‌گونه جمله‌ها را «جمله‌های ساده» (Simple sentence) می‌نامیم. حال اگر دو جمله ساده که هر کدام حداقل دارای یک فاعل و یک فعل باشند را با کلمه‌های ربط (Conjunction) مانند «and» (و)، «but» (اما)، «or» (یا) و «so» (بنابراین) به هم مرتبط کنیم، یک جمله مرکب (Compound sentence) تشکیل می‌شود.

• کاربرد انواع کلمات ربط

(۱) کلمه ربط «and»: این کلمه ربط فعالیت‌ها یا احساسات هم‌جهت را به هم مرتبط می‌کند.

I get up early in the morning.

مثال من صبح زود بیدار می‌شوم.

I make an omelet myself.

من خودم املت درست می‌کنم.

I get up early in the morning, and I make an omelet myself.

من صبح زود بیدار می‌شوم و خودم املت درست می‌کنم.

(۲) کلمه ربط «but»: این کلمه ربط هنگامی استفاده می‌شود که بخواهیم اطلاعاتی را در تضاد با اطلاعات قبلی یا تفاوت را بیان کنیم.

The book was boring.

مثال آن کتاب کسل کننده بود.

Tom had to read the book.

تام مجبور بود آن کتاب را بخواند.

The book was boring, but Tom had to read it.

آن کتاب کسل کننده بود اما تام مجبور بود آن را بخواند.

۳) کلمهٔ ربط «or»: این کلمهٔ ربط معمولاً «انتخاب» بین دو چیز را بیان می‌کند.

مثال تو باید تکلیفت را انجام دهی.

You should do your homework.

You should wash the dishes.

تو باید ظرف‌ها را بشویی.

You should do your homework, **or** you should wash the dishes.

تو باید تکلیفت را انجام دهی یا تو باید ظرف‌ها را بشویی.

۴) کلمهٔ ربط «so»: از این کلمه هنگامی استفاده می‌شود که جملهٔ دوم «نتیجهٔ» جملهٔ اول باشد.

Saeed studied hard for the exam.

مثال سعید برای امتحان سخت درس خواند.

Saeed passed the exam.

سعید در امتحان قبول شد.

Saeed studied hard for the exam, **so** he passed it.

سعید برای امتحان سخت درس خواند بنابراین او در آن قبول شد.

نکته ۱) قبل از and, or, but, so از کاما (,) استفاده می‌شود.

۲) می‌توان به جای اسمی که در دو جمله تکرار می‌شود، ضمیر مناسب قرار داد.

تمرین‌های امتحانی

Listening

۱) به فایل صوتی متن زیر با دقت گوش کنید و سپس جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

What is respect? It's a feeling you have about someone. Respecting someone means you won't (1) them. You know their (2) are important. You try very hard not to hurt their feelings. Respect makes our lives easier and happier.

You can show respect by (3), being kind, and being polite. A good way to show respect to people is to follow "The Golden Rule". The Golden Rule" is to treat the way you would want to be treated. It's (4)! All people deserve respect, no (5) what they look like, act like, speak like, or believe in.

Most children learn by (6) their parents respect them. People who show respect to others are usually very (7) in life. People who do not show respect to others usually have a very (8) time.

Vocabulary

۲) با توجه به تصاویر داده شده، جملات زیر را بخوانید و جمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (یک جمله اضافی است.)



- a) My grandfather went to his son and hugged him. ()
- b) Hamid sits on the sofa and watches TV all the time. ()
- c) My grandfather feeds the pigeons in the park every morning. ()
- d) I don't feel well and he is taking my temperature. ()
- e) My uncle is known as a distinguished university professor. ()

[نهایی - دی ۹۹]

[نهایی - فروردین ۱۴۰۱]

۳) جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

(repeatedly - pity - dedicated - born - boost - close)

14. He wasn't strong enough to his own confidence.
15. A: Mrs. Ahmadi is very friendly and helpful.
B: I know! She is known as a teacher, too.
16. I have told Mohsen to talk politely to his teacher.
17. They were filled with joy when their first child was
18. My best friend and her father are very

[نهایی - دی ۹۹]

[نهایی - شهریور ۹۹]



۴ برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

(A)

19. My grandfather **founded** the company 20 years ago. ()
20. If anything happened to the kids, I'd never **forgive** myself. ()
21. She wanted her personal **diary** to be published. ()
22. Mr. Smith became my grandfather's personal **physician**. ()

[نهایی - شهریور ۹۹]

مفاهیم کلیدی

(B)

- a) to have a good opinion of someone or something
- b) a doctor, especially one who is a specialist in general medicine
- c) to stop being angry with someone
- d) a book in which you record your thoughts or feelings
- e) to start something, such as an organization or an institution

۵ جمله‌های زیر را با کلمات مناسب کامل کنید. (با توجه به تعداد خط چین، حروف کلمات مورد نظر را کامل کنید.)

23. When my little brother fell down, he b _ _ _ _ into tears.
24. Dr. Gharib spared no p _ _ _ _ to cure sick children.
25. When and where did you r _ _ _ _ _ your high school diploma?
26. They have to speak louder, because their grandmother is hard of h _ _ _ _ _ .
27. The first Persian t _ _ _ _ _ on children's diseases was written by Dr. Gharib.
28. Hafez is mostly remembered for a special type of p _ _ _ _ _ that is called Ghazal.
29. Is it your r _ _ _ _ _ _ _ _ _ _ to take care of your little brother when your mom is not at home?

[نهایی - شهریور ۹۹]

۶ پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های داده شده انتخاب کنید.

30. It takes time to get your full back after you have been ill.

a) teenager	b) function	c) pause	d) strength
-------------	-------------	----------	-------------
31. In fact, in my new job I will perform a variety of

a) poets	b) inventions	c) functions	d) belongings
----------	---------------	--------------	---------------
32. For some reasons, I had to live away from my for many years.

a) temperature	b) hearing	c) homeland	d) respect
----------------	------------	-------------	------------
33. What would you do if your little girl into tears?

a) boosted	b) burst	c) brought	d) broke
------------	----------	------------	----------
34. If anything happened to the kids, I'd never myself.

a) forgive	b) improve	c) shout	d) hug
------------	------------	----------	--------
35. They need the information which will help to the child.

a) care for	b) put out	c) pack for	d) shout at
-------------	------------	-------------	-------------
36. They stole everything in my bedroom, my laptop.

a) between	b) toward	c) among	d) including
------------	-----------	----------	--------------
37. The number of students entering higher has increased.

a) inspiration	b) guideline	c) education	d) accident
----------------	--------------	--------------	-------------
38. Looking at these paintings makes people proud of their national

a) heritage	b) experiment	c) mistake	d) strength
-------------	---------------	------------	-------------
39. By asking this question you will what the man is thinking about.

a) pause	b) develop	c) discover	d) spare
----------	------------	-------------	----------

..... Grammar

۷ پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های داده شده انتخاب کنید.

40. Some milk by little kids every day.
a) is drinking b) has drunk c) are drunk d) is drunk
41. The present to Julie by her friends recently.
a) gave b) have been given c) has given d) has been given
42. When I arrived home, lunch
a) is eaten b) was being eaten c) has eaten d) was eating
43. Why your names written on the books?
a) don't b) isn't c) weren't d) didn't
44. When I was talking on the phone, the room carefully.
a) was being cleaned b) has cleaned c) is cleaned d) was cleaning
45. How many bags of rice do you think every day?
a) is bought b) buy c) are bought d) have bought
46. How were school children to the park last week?
a) took b) take c) taken d) takes
47. The mice the cheese when I opened the kitchen door.
a) was eaten b) were eaten c) was eating d) were eating

۸ پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های داده شده انتخاب کنید.

48. The flight from London arrives at seven o'clock,?
a) does it b) doesn't it c) do they d) don't they
49. Mr. Harrison nothing about what you need, does he?
a) promises b) promise c) has promised d) is promising
50. Your sister has passed the exam,? [نهایی - دی ۹۹]
a) didn't she b) hasn't she c) didn't you d) has she
51. They will buy a new house,? [نهایی - شهریور ۹۹]
a) won't be b) won't they c) will they d) will be
52. When we left the house, he was watching TV,?
a) didn't we b) was he c) did we d) wasn't he
53. If they weren't busy, they would help you,?
a) were they b) didn't they c) wouldn't they d) would they
54. They said that he was driving a red car,?
a) wasn't he b) didn't they c) weren't they d) didn't he
55. When I opened the door, you weren't sleeping,?
a) didn't b) did I c) were you d) weren't you

۹ شکل صحیح فعل داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

56. They Spanish to foreign students at school last year. (not teach)
57. The injured to hospital by the firemen right now. (take)
58. This house by John Mathews in 1991. (build)
59. The new message to all the students recently. (send)
60. I think Mina a new mobile phone, hasn't she? (buy) [نهایی - دی ۹۸]
61. Persian in Iran, Tajikistan and Afghanistan. (speak) [نهایی - دی ۹۹]
62. She the pigeons every morning, doesn't she? (feed) [نهایی - قارچ ۱۴۰۱]
63. Joe's mother a new car, will she? (buy) [نهایی - قارچ ۱۴۰۰]

مفاهیم کلیدی



۱۰ شکل صحیح فعل داخل پراتر را در جاهای خالی بنویسید.

64. The boys read that storybook a few days ago, they? (do)
 65. Those girls' mother's never gone on a trip, she? (have)
 66. My mother me for breaking the vase, didn't she? (forgive)
 67. Last night, my father home very late, didn't he? (come)

[نهایی - شهریور ۹۸]

۱۱ جمله‌های زیر را با استفاده از Tag Question مناسب کامل کنید.

68. There are no books on the desk, ?
 69. Mr. and Mrs. Harrison had four children, ?
 70. Omid's sister has a new Iranian car, ?
 71. Your younger sister has already gone shopping, ?
 72. The door of the car was not open, ?
 73. When you arrived, they weren't studying, ?
 74. I am not going to talk to him, ?

۱۲ شکل مجهول جمله‌های زیر را بنویسید.

75. The man sold one of the old cars.
 76. My mother is cooking a delicious meal now.
 77. The scientists have finished the project recently.
 78. Mr. Parker didn't paint the room very carefully.
 79. Do those dedicated doctors cure many patients every year?

۱۳ با هر گروه از کلمات زیر یک جمله بنویسید.

80. countless / those famous books / been / into / have / languages / translated / ?

 81. sick / no / to cure / spared / people / Dr. Gharib / pains / and / poor / .

82. employed / during / a lot of / the last five years / have been / workers / .

[نهایی - قارچ ۹۸]

83. solved / by her / the problems / the classroom / were / in / .

[تهران - مدرسه شاهد کوثر - دی ۹۹]

۱۴ با هرگونه از کلمات زیر یک جمله بنویسید.

84. wrote / didn't / a letter / the girl / she / , / ?

 85. is / reading / father / he / the newspaper / , isn't / my / ?

 86. old / has / the / woven / she / hasn't / a / , / silk / carpet / woman / ?

[نهایی - شهریور ۹۹]

..... Cloze Test

۱۵ متن زیر را بخوانید و جاهای خالی را با انتخاب گزینه مناسب کامل کنید.

Respect means that you accept somebody for who they are, even when they are different from you or you (87) with them. It is very important for us to (88) our elders. It is also important to note that elders were not born elders; they were kids like us and now have (89) old. A few years hence, we will also grow older. If today we respect them, our present and future (90) will carry those values and will learn (91) us as well when we grow old.

- | | | | |
|-----------------------|-----------------|-------------------------|---------------|
| 87. a) are not agreed | b) do not agree | c) have not been agreed | d) not agree |
| 88. a) boost | b) lower | c) respect | d) pause |
| 89. a) grown | b) cared | c) needed | d) received |
| 90. a) thoughts | b) generations | c) diplomas | d) functions |
| 91. a) respect | b) respecting | c) respects | d) to respect |

.....Reading.....

۱۶ متن زیر را بخوانید و به سؤالاتی که داده شده هر قسمت پاسخ دهید.

It is very important for us to respect our elders. It is also important to note that elders were not born elders; they were kids like us and now have grown old. A few years hence, we will also grow older. If today we respect them, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.

Elders have a lot to share with us: their life experiences, their failures, their successes and many more. Thus we need to care for them because they deserve to be cared for. Respect and care for elders start with our parents as they are our real first teachers in our life.

مفاهیم کلیدی

True / False

92. We should respect people only when we grow old. True False
93. Parents share their experiences with their children. True False

Choose the best answer.

94. What does the underlined word "them" in paragraph 1 refer to?
a) kids b) years c) elders d) generations
95. Why should we start respect and care for elders with our parents?

۱۷ متن زیر را بخوانید و به سؤالاتی که داده شده پاسخ دهید.

Respect is not only for people, you also need to respect nature. You should learn to respect nature and also teach it to your next generation. There are some good ways to improve the sense of respect for nature among society.

When you are outside with your children, take the time to show them the beauty of nature. Show them the blueness of the sky on a clear, bright day, or grey sky on a cloudy day. Ask your child to touch trees, rocks and leaves to feel the temperatures. You can also teach your kids the names of different plants, trees, and animals and practice identifying them. You can do these and show the beauty of nature in your yard or in your favorite park. You may buy a plant for each child that they can take care of inside or outside of the house. You should remind your children that all living creatures are parts of our world and are valuable in the natural environment.

[نهایی - شهریور ۱۳۰۰]

True / False

96. According to the passage, people should only respect other people. True False
97. Our next generations need to know about nature and its value. True False

Answer the following questions.

98. Where can you show your children the beauty of nature?
.....
99. What should you remind your kids?
.....

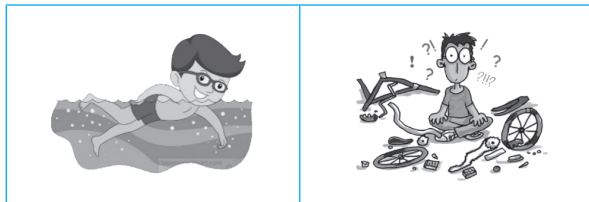
.....Writing.....

۱۸ هر یک از جملات زیر را با انتخاب یک کلمه ربط «and, so, but, or» کامل کنید.

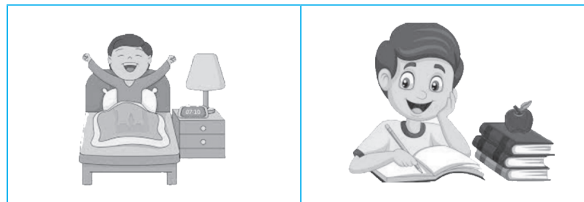
100. You can stay at home, you can go shopping with us.
101. The man was fat, he couldn't run very fast.
102. I went to bed early, read a very interesting story.
103. We called him before lunch, he didn't answer the phone.
104. Sara doesn't like fast food, she doesn't eat any cheese burgers. [نهایی - فارغ ۱۳۰۰]
105. We can take a taxi , we can travel by train. [نهایی - فارغ ۱۳۰۰]
106. His mother went to the room, she came back with an old diary. [نهایی - فارغ ۱۳۰۰]
107. My cousin has a lot of books, he never reads them. [نهایی - فارغ ۱۳۰۰]

جمله‌های زیر را با استفاده از تصاویر و یکی از کلمه‌های ربط (and, or, but, so) کامل کنید و یک جمله مرکب معنادار بنویسید. [۱۹]

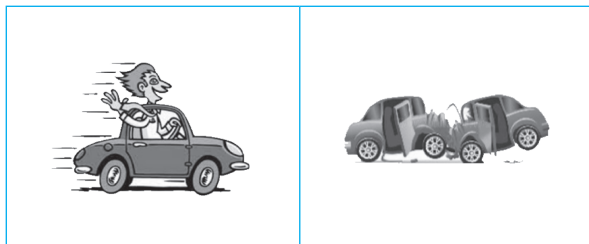
مفاهیم کلیدی



108. I can swim very well,



109. I woke up early,



110. The young man drove too fast,



face mask

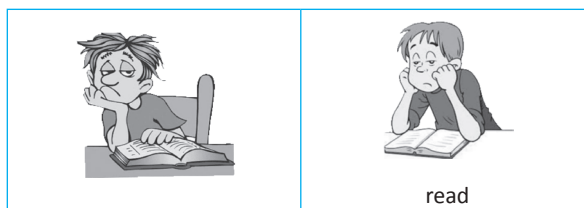
wear

111. The boy bought



make an omelet

112. I get up early in the morning,



read

113. The book was boring,

جمله‌های زیر را با کلمات مناسب کامل کنید. (با توجه به تعداد خط چین حروف کلمات مورد نظر را کامل کنید). [۲۰]

114. It's important for everybody to have a sense of b _ long _ ng.

115. When starting a new business, try to follow these general g _ idelin _ s.

116. No one wants to take resp _ nsib _ lity for the problem.

117. We had a p _ _ ceful afternoon without the children.

118. It is said that helping others low _ rs blood pres _ _ re.

119. Dr. Gharib was a famous p _ _ sician.

120. My grandfather was known as a disting _ _ shed university profess _ r.

سؤال‌های ویژه امتحان برای کنکور

جمله‌های معلوم زیر را به جمله‌های مجهول تبدیل کنید. [۲۱]

121. The young man gave some books to the students.

122. Are you going to paint the bedroom red?

جمله‌های زیر را با دانش گرامری خود کامل کنید. [۲۲]

123. She's read many storybooks,

124. If you want to buy the house, you have to sell your car,

125. He believes that Dr. Smith will help because he's a dedicated doctor,

126. He cut the cake and put it on the table,

پاسخ درست را انتخاب کنید. [۲۳]

127. You're not going with us on a road trip to Hamedan to visit our mom,

[نهایی - فارغ‌الهی ۱۴۰۰]

1) isn't she

2) are you

3) are we

4) aren't you

128. His plan was to buy pieces of chocolate them to his classmates for two cents a piece.

[هنر - ۱۴۰۰]

1) who resold

2) and resell

3) but resold

4) by reselling

129. Lisa would never love him again after hearing all the wrong he had done to her,

[هنر - ۱۴۰۰]

1) had he

2) would she

3) hadn't he

4) wouldn't she

